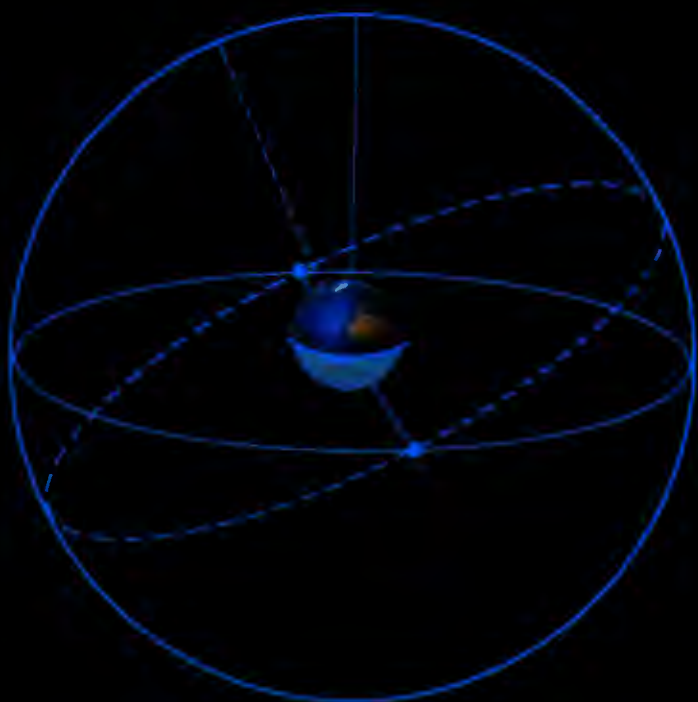


کیهان نگاری در ایران باستان بحث ها و دیدگاه ها



آنتونیو پانا اینو

ترجمه اششین آریان پور

به نام خداوند جان و خرد

IRANICA ET MEDITERRANEA
COLLANA DIRETTA DA ANTONIO PANAINO E PAOLO OGNIENNE
VOL. 3

ANTONIO PANAINO
**OLD IRANIAN
COSMOGRAPHY**
DEBATES AND PERSPECTIVES



ALMA MATER STUDIORUM
UNIVERSITÀ DI BOLOGNA
DEPARTMENT OF HUMAN CULTURES

MIMESIS

OLD IRANIAN COSMOGRAPHY

Debates and Perspectives

Antonio Panaino

انتشارات: Mimesis / ایتالیا / ۲۰۱۹

زبان کتاب: انگلیسی

ISBN: 9788857565248

کیهان نگاری در ایران باستان

بحث‌ها و دیدگاه‌ها

آنتونیو پانا اینو

ترجمه

افشین آریان پور



آشورات طوری
۱۴۰۲

سرشناسه	: پانائینو، آنتونیو Panaino, Antonio
عنوان و نام پدیدآور	: کیهان‌نگاری در ایران باستان: بحث‌ها و دیدگاه‌ها/ آنتونیو پانائینو؛ ترجمه افشین آریان‌پور.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: [۲۳۷] ص: مصرر.
شابک	: 978-600-5911-64-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Old Iranian cosmography: debates and perspectives, [2019].
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۲۱۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: نجوم -- ایران - تاریخ Astronomy -- Iran -- History کیهان‌شناسی -- تاریخ Cosmology -- History کیهان‌شناسی ایرانی Cosmology, Iranian
شناسه افزوده	: آریان‌پور، افشین، ۱۳۷۱-، مترجم
رده بندی کنگره	: QB۳۳
رده بندی دیویی	: ۵۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۲۱۶۴۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا	

این کتاب ترجمه‌ای است از:
OLD IRANIAN COSMOGRAPHY
Debates and Perspectives
 Antonio Panaino
 2019 / Mimesis



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروژ، شماره ۲۴، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
 تلفن ۰۹۱۲۲۲۵۱۲۰۶-۶۶۴۶۴۸۲۶
www.tahooribooks.ir

کیهان‌نگاری در ایران باستان

بحث‌ها و دیدگاه‌ها

آنتونیو پانائینو

ترجمه: افشین آریان‌پور

صفحه‌آرایی: علیروز

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۲۲۰ نسخه

قیمت: ۱۶۵۰۰۰۰ ریال

حق هرگونه چاپ و تکثیر برای انتشارات طهوری محفوظ است

فهرست مطالب

معرفی کتاب.....	۹
معرفی نویسنده.....	۱۱
پیشگفتار پروفیسور آنتونیو پائائینو بر نسخه فارسی کتاب.....	۱۵
پیشگفتار مترجم.....	۱۷
کلیاتی از تاریخ ایران در دوران پیش از اسلام.....	۲۵
مسائل تاریخ نگاری و روش شناسی.....	۳۵
❖ دوران آغازین:.....	
۱) آسمان شناسی و کیهان شناسی در ایران باستان در میان سنت های	
هندو- ایرانی و میراث میان رودانی.....	۴۳
۲) چرخه شباهنگ و نقش اجرام آسمانی.....	۴۷
۳) نخستین داده ها درباره سیاره ها.....	۵۲
۴) زمان و حرکت در ایران باستان.....	۶۷
❖ دوران هلنی و پارتی.....	
۱) فرایند اهریمنی شدن سیارات.....	۷۵
۲) حرکت سیارات و تعبیرات آن.....	۷۸
۳) دو جرم تابناک و دشمنان تاریک آن ها؛ مسأله اژدهای آسمانی و اثرات آن.....	۸۴

❖ دوران ساسانی و پس از سقوط ساسانیان.....	۸۹
(۱) منابع ستاره‌شناسی و طالع‌بینی در ایران ساسانی.....	۹۴
(۲) جدول‌های سلطنتی پادشاهان.....	۱۰۴
(۳) برخی از نکات عمومی.....	۱۰۷
(۴) منازل ماه.....	۱۱۳
(۵) طالع‌بینی پیوسته و مسأله مقارنه‌های بزرگ.....	۱۱۵
(۶) سال ایرانی و منشأ آن.....	۱۱۹
(۷) ریسمان‌های باد.....	۱۲۴
(۸) ارابه، چرخ و جاده آسمانی.....	۱۳۱
نتیجه‌گیری.....	۱۳۹
توضیحات مترجم.....	۱۴۳
فهرست منابع.....	۱۸۹
فهرست متون کهن.....	۲۱۷
نمایه‌نامه.....	۲۲۱
پیشگفتار انگلیسی (Preface).....	۲۳۶

هیأت علمی ناظر بر انتشار نسخه اصلی کتاب

پروفسور آگوستی آلمانی (بارسلونا)

پروفسور گارنیک آساتوریان (ایروان)

پروفسور الکسی چیپیروف (ولادی قفقاز)

پروفسور تورج دریایی (ارواین)

پروفسور کللیا مورا (پاویا)

پروفسور گرگوری ناگی (واشینگتن)

پروفسور وِلیزار سادوفسکی (وین)

پروفسور جوزپه ساساتِللی (بولونیا)

پروفسور مارتین شوارتز (برکلی)

پروفسور رحیم شایگان (لس آنجلس)

پروفسور ویتوریو توملِری (ماچراتا)

پروفسور جیوستو ترانینا (پاریس)

اگر چشم مانند خورشید نبود
 هرگز توان دیدن فروغ خورشید را نداشت!
 اگر قدرت خداوند در وجود ما نیست
 پس چگونه از مغنویات خدا غرق در لذت می شویم؟

شعری از یوهان ولفگانگ گوته از کتاب «هدایای لطیف» بخش سوم^۱

این کتاب تقدیم می شود به دوست فراموش نشدنی پارسی ام:

فرخ جل و جیفدر^۲

(۲۴ اوت ۱۹۳۹ بمبئی - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۷ لندن)

آنتونیو پانااینو

معرفی کتاب

کتاب پیش رو حاصل برنامه پژوهشی «تجسم آسمان در پیش از سال ۱۷۰۰ میلادی از دیدگاه تاریخ علم» است. این پژوهش در مؤسسه ماکس پلانک در برلین با نظارت داگمار شفر^۱ و سونیا برنتس^۲ به اجرا درآمد. در آغاز قرار بود که نتایج این پژوهش در مجله «ان.تی.ام.» که در حوزه تاریخ علم، فن آوری و پزشکی فعالیت می کند، به چاپ برسد اما به جهت زیاد بودن مطالب، انتشار آن در یک مجله دوره ای شایسته نبود. بنابراین تصمیم گرفته شد که تنها بخش مربوط به سیارات با عنوان «تصویر مفهومی از سیارات در ایران باستان و فرایند اهریمنی شدن آن ها: موارد کلی و استثنا در تاریخ علم ایران» در مجله یاد شده به چاپ برسد. هدف از چاپ این مقاله توجه به جنبه های مهم نمادشناسی و نمادنگاری سیارات در ایران و آسیای میانه بود. پس از چاپ مقاله تصمیم گرفتیم که کل تحقیق را در کتابی مستقل در مجموعه کتاب های ایران شناسی دانشگاه بولونیا به چاپ برسانیم. قواعد ویراستاری که برای انتشار نسخه ابتدایی لحاظ شد در اثر پیش رو نیز اعمال شده است. در این کتاب کوشیدیم که کلیات کیهان نگاری و آسمان شناسی ایرانیان در پیش از اسلام را با تمرکز ویژه بر سنت های آیین زرتشتی و سنت های اواخر عهد ایران باستان در فضای فرهنگی دوران ساسانیان تشریح کنم. من بر بخش های مهم و

1. Dagmar Schäfer

2. Sonja Brentjes

حساس این مبحث تأکید کردم و این امر نیازمند بازنگری اساسی کتاب بود. هدف نویسنده در این کتاب مطرح کردن جزئیات و پیچیدگی‌های سنت‌های ایرانی نظیر تشریح آیین مانوی که دارای انشعاب زبانی متعددی است، نمی‌باشد ولی به هر روی در کالبد تحقیق به نقش و جایگاه سایر ادیان و فرقه‌ها مانند مزدکیان، بوداییان و مسیحیان به اندازه تأثیرشان به عنوان محرکه‌های تاریخ روشنفکری ایران اشاره شده است. از همکارانم در مؤسسه ماکس پلانک برلین به‌ویژه سونیا برنتس که زمان زیادی را برای بررسی نکات فراوان کتاب صرف نمود و همچنین از دکتر جفری کُتیک^۱ در دانشگاه تورنتو که در بازنگری متن اثر مرا یاری نمود کمال سپاسگزاری را دارم. بر خود فرض می‌دانم تا از پروفیسور دیوید پانکنیر^۲ بابت راهنمایی در زمینه منابع چینی که در حوزه ایران‌شناسی نتایج مهمی دارند، تقدیر کنم. همچنین خود را موظف می‌دانم که از میزبانی سخاوتمندانه همکارانم در برنامه «کرونوی»^۳ پروفیسور اِوا کانچیک-کِرشوم^۴ و پروفیسور ایرنه سیبینگ-پلاتنولت^۵ در طول بورسیه تحصیلی من در مؤسسه ماکس پلانک و دانشگاه آزاد برلین در دسامبر ۲۰۱۸ و ژوئن ۲۰۱۹ قدردانی ویژه نمایم.

از زحمات پروفیسور متیو اُسن درِجور^۶ (دانشگاه هومبولت برلین) برای یاری فراوانش در حوزه مباحث نجومی سپاسگزارم. در پایان از یاری همکارانم در دانشگاه بولونیا به‌ویژه دکتر پانولو اونی‌بنه^۷ برای توصیه‌های مداومش در آماده‌سازی نسخه کنونی کتاب و دکتر جان پیتر وازللو^۸ (دانشگاه شرق‌شناسی ناپل) برای تبادل نظر مؤثر در زمینه مسائل نجومی سپاسگزارم.

آنتونیو پائائینو

راونا^۹ - برلین

ماه مه / ژوئن سال ۲۰۱۹ میلادی

1. Jeffrey Kotyk

3. Chronoi

5. Irene Sibbing-Plantholt

7. Paolo Ognibene

9. Ravenna

2. David Pankenier

4. Eva Cancik-Kirschbaum

6. Mathieu Ossendrijver

8. GianPietro Basello

معرفی نویسنده



کشور ایتالیا ایران‌شناسان بزرگی به جهان دانش عرضه کرده که یکی از گرانقدرترین آن‌ها آنتونیو کلمنته دومنیکو پانائینو است. پروفیسور پانائینو یکی از پژوهشگران سرآمد و برجسته حوزه ایران‌شناسی، زبان‌های باستانی، ادیان باستانی ایران و همچنین تاریخ علم در جهان است.

وی از دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون استاد رشته مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه بولونیا می‌باشد. او در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۱ میلادی برابر با ۲ مرداد ماه ۱۳۴۰ خورشیدی در شهر

بوستو آرسیتزیو در ایالت لومباردی کشور ایتالیا به دنیا آمد. به مدت ۵ سال در دبیرستان سبک کلاسیک در میلان به تحصیل پرداخت و در آن‌جا به زبان‌های یونانی و لاتین آشنایی پیدا کرد. سپس به دانشگاه دولتی میلان راه یافت و به

مدت ۴ سال در رشته مطالعات کلاسیک تحصیل نمود و در سال ۱۹۸۴ میلادی برابر با ۱۳۶۳ خورشیدی با بالاترین معدل دانش‌آموخته شد. وی در طول دوران تحصیل در مقطع کارشناسی رساله‌ای درباره اوستا نوشت. پس از پایان دوره کارشناسی، در سال ۱۹۸۵ به دانشگاه شرق‌شناسی ناپل وارد شد و در رشته مطالعات ایران‌شناسی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۸۹ میلادی برابر با ۱۳۶۸ خورشیدی مدرک دکترای خود را در همان رشته دریافت نمود. موضوع پایان‌نامه دکترای او «خورشید و ماه یشت در اوستا، دیدگاه نقادانه به ترجمه‌های دین تاریخی زرتشت» بوده است. در طی تحصیل مقطع دکترای برای گذراندن دوره مطالعاتی به دانشگاه‌های لیژ و کمبریج و مدرسه مطالعات شرقی و افریقا در لندن رفت. وی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ در مقطع فوق‌دکترای به تحصیل مشغول بود و از سال ۱۹۹۲ میلادی برابر با ۱۳۷۱ خورشیدی تاکنون به تدریس زبان‌های باستانی ایرانی مانند اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، سغدی و یغناپی در دانشگاه‌های ایتالیا و خارج از کشور ایتالیا مشغول است.

از سال ۱۹۸۵ تا به امروز حدود ۳۰۰ مقاله ارزشمند از پروفیسور پانائینو در مجلات برجسته جهانی به چاپ رسیده است که نشانگر خدمات برجسته او در ایران‌شناسی است. وی در حال حاضر از اعضای آکادمی علوم بولونیا می‌باشد. از دیگر فعالیت‌های او همکاری در تهیه بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱۵ پایان‌نامه دکترای به عنوان استاد راهنما است. پانائینو از دبیران و اعضای انجمن ایران‌شناسی اروپا و همچنین انجمن مطالعات قفقاز و آسیای میانه است و مدتی نیز ریاست انجمن ایران‌شناسان اروپا را عهده‌دار بوده است. مدیریت پروژه ملامو از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ بر عهده این دانشمند برجسته بوده است. یکی از نکته‌های درخشان کارنامه اجرایی وی مدیریت دانشکده مرمت آثار باستانی دانشگاه بولونیا شعبه راونا می‌باشد. محل زندگی پروفیسور پانائینو شهر راونا است و در شعبه دانشگاه بولونیا در همین شهر به تدریس می‌پردازد. در همین دانشکده استادان بزرگی همچون زنده‌یاد گِراردو

نیولی ایران شناس برجسته و نویسنده کتاب آرمان ایران به تدریس پرداخته است. پانائینو به مدت ۷ سال نیز به عنوان مدیر برنامه هیأت ایتالیایی باستان شناسی و زبان شناسی قومی برای پروژه تحقیقاتی درباره زبان های باستانی ایران در تاجیکستان خدمت کرده است. او به زبان های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، یونانی، لاتین و همچنین زبان اوستایی و پهلوی تسلط دارد و از همکاران مرکز پورداد در دانشگاه کالیفرنیا و نیز از نویسندگان دانشنامه ایرانیکا و از اعضای مشاور این دانشنامه می باشد. برخی از عنوان های مقاله های وی به شرح زیر است:

- سروده های اوستایی در مدح تیشتر
- اسطوره ایرانی درباره ستاره شباهنگ (تیشتر)
- فهرست نام های اهورامزدا
- مغان بشارت دهنده: تاریخ و نمادشناسی در شرق و غرب
- دین سیاسی و پادشاهی مقدس در ایران پیش از اسلام
- سیدرا و یوا مطالعات ایرانی درباره اساطیر در پیوند با اجرام آسمانی و ستاره شناسی و طالع بینی باستانی
- تاریخ، زمینه ها و واقعیت آیین زرتشتی
- گام نهادن به آسمان ایرانی: گفتاری درباره الگوهای کروی و غیر کروی غیرقابل پیش بینی آسمان
- دو گزارش نجومی در کارنامه اردشیر بابکان
- دیدگاه آیین مانی به آسمان و ستاره شناسی

یکی دیگر از نکته های برجسته این ایران شناس بزرگ، آزاداندیشی او در تحقیقات و نوشتارها است. با بررسی آثار چاپ شده وی می توان دریافت که او تسلط بسیار بالایی به منابع ایران کهن و زبان های باستانی دارد. ارجاعات و نقل قول هایی که در آثار خود آورده عموماً به اصل متون اوستایی و پهلوی اشاره کرده

است. از مهم‌ترین تحقیقات وی مقاله‌ای درباره سه مغ زرتشتی است که بشارت‌دهنده تولد عیسی مسیح در بیت‌الحم بوده‌اند. آن سه مغ به نام‌های ملکیور، بالتازار و گاسپار ملقب بوده و به روایت انجیل متی در دوره اشکانیان به بیت‌الحم اورشلیم رفته‌اند. بر اساس پژوهش‌های پانائینو و تحقیقات سابق آلفرد فون گوتشمید خاورشناس آلمانی در سده ۱۹ گاسپار که نام یکی از سه مغ نامدار بوده است در حقیقت تغییر یافته نام گندفر حاکم ایالت سیستان در عهد اشکانی است. برخی از جوایز و افتخارات پروفیسور پانائینو به شرح زیر است:

- برنده جایزه رومن و تانیا گیرشمن برای پژوهش‌های ایران‌شناسی از آکادمی فرانسه در سال ۱۹۹۸ میلادی

- مدرک افتخاری از دانشگاه جدید صوفیه بلغارستان در سال ۲۰۱۱ میلادی

اخیراً از این نویسنده کتابی به نام «سیدرا و یوا» و اثری دیگر به نام «گذری از میان آسمان‌های ایرانی» درباره ستاره‌شناسی و طالع‌بینی ایرانیان به چاپ رسیده است. همکاری پانائینو در طول سال‌های اخیر با پائولو اونی‌بنه نیز منجر به نگارش مقاله‌های بسیاری در حوزه ایران‌شناسی و زبان‌های باستانی ایران شده است. بخش مهمی از مدخل‌های مربوط به ایران‌شناسی و اسطوره‌های ایرانی و آیین زرتشت در دانشنامه ایرانیکا توسط پانائینو نوشته شده است. شیوه نگارش وی در مقالات ساده، شیوا و رسا است و هدف از نگارش را آگاهی‌رسانی به همه علاقه‌مندان می‌داند. گفتنی است که آثار پانائینو موجب آشکار شدن بخش‌های تاریک تاریخ و اسطوره‌شناسی ایران شده است. امید است که در آینده جایگاه پروفیسور آنتونیو پانائینو در حوزه ایران‌شناسی بیش از گذشته مورد بررسی قرار گیرد.

پیشگفتار پروفیسور آنتونیو پانااینو بر نسخه فارسی کتاب

ترجمه فارسی این کتاب کوچک من که عنوانش «کیهان‌نگاری در ایران باستان» است، نمونه‌ای از همکاری بنیادین میان پژوهشگرانی است که شیفته و دلبسته تاریخ و میراث جهانی ایران و پیشینه شگفت‌انگیز آن هستند. مسائل نجومی و طالع‌بینی که موضوعاتی بسیار پیچیده هستند غالباً با رویکردی سطحی و بدون ژرف‌نگری و دقت لازم مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این راستا، بخت بسیار با من یار بوده است که زمینه ملاقات با دانشجوی مستعدی به نام دکتر افشین آریان‌پور را در کلاس‌های درس خود در دانشگاه بولونیا، پردیس راونا داشته‌ام و این فرصت را مغتنم می‌شمارم. در واقع او آن‌قدر به مطالب کار من علاقه‌مند بود که با مهربانی پیشنهاد ترجمه کتاب من را داد. چندسالی است که نامه‌های متعددی به منظور بررسی و اصلاح نکات بحث‌برانگیز برای ارائه بهترین ترجمه رد و بدل کرده‌ایم و مطمئن هستم که عموم مردم ایران از دسترسی به این پژوهش به زبان خود خوشحال خواهند شد. دکتر افشین آریان‌پور در تحقق این تلاش علمی، همکاری بزرگ و راهنمایی خوب بوده است و این جانب از ایشان نهایت تقدیر و تشکر را دارم. همچنین باید تأکید کنم که دکتر آریان‌پور پیشرفت‌هایی در کار انجام داده است و من این فرصت را داشتم که تغییرات و مقداری اصلاحات در متن نسخه فارسی ایجاد کنم.

بنابراین من صمیمانه امیدوارم که این مشارکت بتواند محققان جدید را تشویق کند تا روند تحقیقات عالی در این زمینه را گسترش دهند، زیرا این مباحث در ایران خاستگاهی غنی دارد. این کتاب صرفاً ترکیبی از مطالعات بزرگ‌تر است، اما می‌تواند به عنوان یک پژوهش مقدماتی مناسب در رشته‌ای عمل کند که مشکلات قابل توجه زیادی به همراه دارد و این مسأله نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی در عهد ساسانیان و سده‌های نخستین پس از سقوط شاهنشاهی ایران نقش به‌سزایی در گسترش و اشاعه آموزه‌های نجومی ایفا کرده است. اثرگذاری آموزه‌های ایرانی مانند آموزه نجومی مقارنه‌های سیاره زحل و مشتری حتی به اروپا نیز رسیده بود و تا پایان عهد نوزایی این تأثیرات دیده می‌شد.

کتاب حاضر فقط این نکته را نشان می‌دهد که جهان ایرانی در اواخر عهد باستان نقش اساسی در تاریخ فرهنگی زمان خود داشته است و جامعه ایرانی یک سرزمین تابعه در کرانه مراکز علمی برتر نبوده بلکه خود بخشی از یک جهان فکری بزرگ‌تر بوده است. درک پیچیدگی فرهنگی ویژه منطقه ایران، نیازمند شناخت گسترده ابعاد میان فرهنگی است؛ زیرا اندیشه‌های گوناگون و رسوم مختلف وارداتی از یونان و مصر و حتی از هند و آسیای میانه در سراسر کشور ایران انتشار یافت و در نهایت همان‌طور که انتظار می‌رفت در نتیجه پدیده متأخر جهانی شدن، فرهنگ ایرانی راه متضادی را در پیش گرفت.

حال اگر بخواهم برای سال آینده آرزویی داشته باشم، مایلیم شاهد همکاری روزافزون میان دانشگاهم با همکاران و دانشجویان جوان ایرانی در سایه صلح و هماهنگی باشم.

آنتونیو پانااینو

راونا ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲

پیشگفتار مترجم

کتاب کیهان‌نگاری در ایران باستان ارانه‌ای به‌روز از آسمان‌نگاری و نگاه رمزآلود انسان به اختران بر اساس دیدگاه مزدپرستان است. نویسنده در این اثر به مباحث ستاره‌شناسی و طالع‌بینی و رشد آن در دوران پیش از اسلام و سده‌های نخستین دولت اسلامی در ایران می‌پردازد. نسخه اصلی این کتاب توسط انتشارات میمیس با همکاری مؤسسه ماکس پلانک (گروه تحقیقاتی تاریخ علم) و گروه میراث فرهنگی دانشگاه بولونیا به چاپ رسیده است. در این کتاب بر پدیده‌های میان‌فرهنگی و اشتراکات زبان‌شناسی تأکید شده است و این اشتراکات، روابط ایرانیان را با سرزمین‌های گوناگون مانند میان‌رودان، هند، یونان، روم، آسیای میانه و چین نشان می‌دهد. کتاب پیش‌رو حاصل پژوهش مطالعاتی بر تعداد بسیاری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

زمینه ترجمه این کتاب به امرداد ماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی بازمی‌گردد. روزی در حین دوره فرصت پژوهشی این جانب در دانشگاه بولونیا افتخار حضور در دفتر جناب آقای دکتر آنتونیو پانااینو در دانشکده میراث فرهنگی در شهر راونا را داشتم و در گفت‌وگویی پیشنهاد ترجمه یکی از آثارشان را مطرح کردم. ایشان نیز با سعه صدر این کتاب خود را که در آن زمان چند ماه از چاپ آن در می‌گذشت، برای ترجمه معرفی نمودند. عنوان این کتاب در زبان انگلیسی Old Iranian Cosmography است.

این جانب برای ترجمه این اثر هر دو شیوه تحت‌اللفظی و آزاد را مدّ نظر قرار داده‌ام و همواره کوشش نموده‌ام تا روان‌ترین و اصیل‌ترین برگردان را در حد امکان از این پژوهش فاخر عرضه نمایم. معادل انگلیسی واژگان مهم، اصطلاحات و عنوان‌های شاخص برای درک بهتر مطلب در پانویس قید شده است. واژگان و اصطلاحاتی که خوانش آن‌ها دشوار می‌باشد نشانه‌گذاری شده‌اند تا خواننده تلفظ دقیق واژه را بهتر بشناسد. برخی از اصطلاحات فنی و یا نام شخصیت‌های مهم تاریخی درون متن با علامت ستاره (★) مشخص شده و در بخش توضیحات مترجم در پایان کتاب به‌طور اجمالی توضیح داده شده است.

کیهان‌نگاری دانشی باستانی است که هدف آن نمایش کیهان و جهان آفرینش با همه سیارات و ستارگان آن در قالب یک نقشه است. در یونان باستان فیلسوفان و دانشمندانی مانند افلاتون و ارسطو دیدگاه‌های خود را درباره زمین، آسمان، سیارات و ستارگان تا حدودی بیان کرده‌اند و تا چندین سده باورهای دانشمندان یونانی بر دانش کیهان‌نگاری اثرگذار بوده است. در برخی از تمدن‌های باستانی مانند میان‌رودان، آسمان به شکل طبقاتی و لایه‌ای تصور می‌شد. همچنین بیش‌تر دانشمندان جهان در آن روزگار باور داشتند که زمین مرکز همه عالم است. این دیدگاه تا سده‌های میانه در اروپا نظریه‌ای متداول بود، تا این‌که ستاره‌شناسان پی بردند که زمین و همه سیارات سامانه خورشیدی تنها بخش بسیار کوچکی از کیهان را تشکیل می‌دهند. دانش کیهان‌نگاری و کیهان‌شناسی که امروزه به پیشرفت درخشانی رسیده است حاصل تلاش، کوشش و تأمل هزاران ساله دانشمندان یونانی، مصری، میان‌رودانی، ایرانی، عرب و هندی است. این علم با گردش اطلاعات و ترجمه آثار دانشمندانی با ملیت‌های گوناگون و زبانی‌های متفاوت در نهایت امر به یک سامانه یکپارچه و اقیانوسی عظیم از اطلاعات تبدیل شده است.

در این کتاب به دیدگاه‌های ایرانیان از دوران ماد و هخامنشی تا سده‌های نخستین اسلامی نسبت به آسمان شب و عمق کیهان پرداخته شده است.

پدیده‌هایی مانند عبور شهاب‌سنگ، بارش شهابی، حرکات سیارات و ستارگان، عبور ستارگان دنباله‌دار و آذرگوی برای ایرانیان جذاب و تأمل‌برانگیز بوده است. از این رو در مجموعه کتاب‌های مقدس اوستا که بازتاب‌دهندهٔ باورهای بسیار کهن آریاییان و بومیان فلات ایران است، به این رخدادها نیز اشاره شده است. در متون دینی ایران باستان اعتقاد رایج بر این اساس بوده است که پدیده‌های آسمان به دستور و ارادهٔ سپنتمینو و ایزدان و در مقابل آنان اهریمن و لشکریان پلیدش رخ می‌دهد. هر یک از سیارات و ستارگان شاخص را به یکی از ایزدان یا دیوان نسبت می‌دادند و باور داشتند که آن‌ها در حال یک نبرد آسمانی با یکدیگر هستند و طبق همین باور اقدام به پیشگویی چگونگی آیندهٔ ایران و جهان و طالع نحس یا سعد افراد می‌نمودند. باور به جنگ آسمانی میان اهورامزدا و ایزدان که نماد نیکی و صلح و آبادی بودند با اهریمن و دیوان که نماد بدکنشستی و شومی بودند همواره عقیدهٔ رایج در ایران باستان بوده است. سیارات و ستارگان بر اساس رنگ، ویژگی‌های ظاهری و نحوهٔ حرکتشان در آسمان مورد قضاوت و تعبیر طالع‌بینان بوده‌اند.

پس از به قدرت رسیدن شاهنشاهی هخامنشی تمدن‌های بسیاری مانند بابل، لیدیه، مصر و بخش‌هایی از تمدن‌های درهٔ سند، کوش و نوییه ضمیمهٔ سرزمین ایران هخامنشی گردید. حتی در دوره‌ای دولت‌شهرهای یونانی‌زبان آتن و اسپارت نیز توسط ارتش هخامنشی گشوده شد و همهٔ این دستاوردها منجر به این شد که شاهنشاهی پارس به پهناورترین کشور جهان در روزگار خود تبدیل شود. این گسترهٔ عظیم جغرافیایی سبب رشد چشمگیر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گردید و همین موارد زمینه‌ساز تبادل فرهنگ‌ها و ورود عقاید نجومی و باورهای کیهانی گوناگون از سوی دیگر سرزمین‌ها به ایران شد. در دورهٔ هخامنشی، نجوم بابلی به‌طور ویژه بر ستاره‌شناسی ایرانی تأثیر گذاشت. پس از حملهٔ اسکندر سوم مقدونی و سقوط دولت هخامنشیان، فرهنگ سرزمین‌های غربی یونانی‌زبان و مدیترانه‌ای به شکل گسترده به ایران راه یافت.

پس از آن دوران، با ظهور اشکانیان و ساسانیان به دلیل تقویت روحیه ملی، دوباره سنت‌های ایرانی زنده شد. در دوران ساسانی به سبب ورود منابع سانسکریت به ایران ستاره‌شناسی هندی بیش از پیش رواج یافت و برخی از آثار دانشمندان یونانی‌زبان مانند کتاب مجسطی نوشته کلاودیوس بطلمیوس به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شد که خود نشانگر رونق دانش در ایران آن روزگار می‌باشد. در دوران ساسانی دانشگاه گندی‌شاپور (وه‌آندیوک شاپور)، مدرسه نصیبین و مدرسه اتناکیه از مراکز مهم ترویج دانش در ایران بوده است که همیشه مورد حمایت پادشاهان ساسانی قرار داشت. سریانیان مسیحی نقش مهمی در ورود دانش به ایران دوره ساسانی داشتند.

پس از حمله اعراب به ایران، در دوران خلافت عباسیان از دوره منصور دوانیقی تا هارون الرشید جنبش ترجمه آغاز شد و دانشمندان این عصر به‌ویژه ایرانیان اقدام به ترجمه متون پهلوی، سریانی، سانسکریت و یونانی به زبان عربی کردند. در دوران عبدالله مأمون این رشد به اوج خود رسید. بیش‌تر دانشمندان جنبش ترجمه از خراسانیان و تبرستانیان بوده‌اند و بدین ترتیب دانش ستاره‌شناسی ایرانی بار دیگر در قالب متون عربی به جهانیان عرضه گردید. کتاب «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» نوشته زکریا قزوینی در سده هفتم هجری مهِی یکی از منابع برجسته و شاخص این دانش در دوره اسلامی بوده است.

اعتقاد به تأثیر آسمان‌ها بر سرنوشت انسان روی زمین از دیرباز وجود داشته است. باور کلی انسان بر این دیدگاه بوده است که آسمان محل زندگی خدایانی همچون اهورامزدا یا زئوس است و جایگاه بهشت در بیش‌تر آیین‌ها جایی در آسمان و در بالاترین طبقه فلک تصور می‌شد. هر چند که در دنیای امروز باور به تأثیر ستارگان و سیارات بر بخت و طالع انسان گونه‌ای از شبه‌علم و خرافات به حساب می‌آید، اما همین تحلیل اجرام آسمانی به دانشمندان یاری نمود تا بیش‌تر به آسمان بنگرند و در آن اندیشه نمایند. در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از باور تأثیر فلک و چرخ ستم‌پیشه را به روشنی می‌بینیم. ابوعبدالله

جعفر بن محمد رودکی در یکی از قصیده‌های زیبای خود دربارهٔ پیری و ریزش دندانان هایش می‌گوید:

یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت
چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود
نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز
چه بود؟ مَنّت بگویم قضای یزدان بود

در این بیت‌ها رودکی پیر شدن خود و ریختن دندان‌هایش را از نحسی سیارهٔ کیوان یا زحل می‌داند، ولی در نهایت آن را از قضا و قَدَر خداوند می‌پندارد. حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی در شاهنامه در بخش پادشاهی یزدگرد سوم و درگیری ایران و اعراب روایت می‌کند که رستم فرخزاد سپهد لشکریان ایران در نبرد قادسیه که به اختربینی نیز آشنایی داشته شکست ایرانیان در قادسیه و سقوط ساسانیان را بر اساس موقعیت قرار گرفتن ستارگان آسمان پیش‌بینی کرده است. فردوسی رستم فرخزاد را ستاره‌شُمر معرفی کرده است. رستم فرخزاد در نامه‌ای خطاب به برادر خود می‌گوید:

ز بهرام و زهره‌ست ما را گزند	نشاید گذشتن ز چرخ بلند
همان تیر و کیوان برابر شده‌ست	عطارد به برج دویکر شده‌ست
کزین پس شکست آید از تازیان	ستاره نگرده مگر بر زیان
نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر	ز اختر همه تازیان راست بهر

مسعود سعد سلمان شاعر سدهٔ پنجم و ششم هجری مہی که به دلیل یک توطئه و خشم سلطان ۱۸ سال از عمر خود را در زندان‌های سو، دِه‌ک و قلعهٔ نای سپری کرد در اشعار حبسیات خود می‌سراید:

خورده قسم اختران به پاداشم	بسته کمر آسمان به پیکارم
محبوسم و طالع است منحوسم	غمخوارم و اختر است خونخوارم

از سوی دیگر ناصر خسرو قبادیانی شاعر فرهیخته و دانشمند سده پنجم هجری مہی این باورها را مردود می‌شمارد و معتقد است که اراده و انتخاب انسان است که سرنوشت را می‌سازد. او در قصیده‌ای معروف می‌گوید:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را	برون کن ز سر باد خیره‌سری را
بری دان از افعال، چرخ برین را	نشاید ز دانا نکوهش بری را
چو تو خود کنی اختر خویش را بد	مدار از فلک چشم، نیک‌اختری را

اگر از نگاه کاربردی و علمی بر کیهان‌شناسی ایرانی بنگریم خواهیم دید که اجرام آسمانی در هنگام شب راهنمای کاروان‌ها و دریانوردان بوده‌اند. ستاره قطبی که حدوداً در راستای محور زمین است برای یافتن جهت شمال کاربرد داشته است. همچنین کهکشان راه شیری که بازوی شیری‌رنگ آن شب‌هنگام از بالای سر کاروان‌ها می‌گذرد برای ایرانیان قدیم کاملاً شناخته شده بوده است. بازوی کهکشان راه شیری از سمت شمال شرقی تا سمت جنوب غربی ایران امتداد داشته است. جهت شمال شرقی کهکشان را که به سمت سرزمین ترکستان می‌باشد اصطلاحاً «راه ترکستان» و جهت جنوب غربی بازوی کهکشان را که به سوی حجاز می‌باشد «راه مکّه» می‌گفتند. سعدی شیرازی در یکی از حکایات کتاب گلستان در کنایه به تظاهر و ریا اشاره‌ای به مسیر کهکشان راه شیری دارد و می‌گوید:

ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی کین ره که تومی روی به ترکستان است

از آغاز ترجمه این کتاب ارزشمند تا پایان آن، همواره جناب استاد آنتونیو پانااینو برای رفع مشکلات فنی و اصطلاحات باستانی دانش ستاره‌شناسی این جانب را راهنمایی نموده‌اند و باید بیان کنم که اگر لطف و همراهی این استاد گرانقدر ایران‌شناس نبود کار ترجمه کتاب امکان‌پذیر نمی‌شد. همچنین باید از زحمات سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار و جناب آقای دکتر اصغر دادبه که این جانب را در حوزه زبان‌های باستانی و واژه‌گزینی راهنمایی نمودند،

سپاسگزاری کنم. ترجمه و معادل‌سازی بسیاری از واژگان فنی و تخصصی که در ستاره‌شناسی کهن لاتین و عربی کاربرد داشته با رهنمودهای ارزشمند استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمد باقری که از پژوهشگران برجسته رشته ریاضیات و نجوم هستند میسر شد و از ایشان بابت همه این هدایت‌ها تقدیر ویژه‌ای دارم. در پایان امیدوارم که این کتاب زمینه شناخت بهتری از ایران و دانشمندان کهن این سرزمین را برای خوانندگان گرامی فراهم نماید. ویرایش ادبی کتاب حاضر زیر نظر پدرم علیرضا آریان‌پور انجام شده است. در این جا موظفم که از پدر، مادر و برادرم آرمین آریان‌پور که به وجودشان مفتخرم، سپاسگزاری کنم، زیرا همواره مشوق و حامی من بوده‌اند. از آقای احمدرضا طهوری مدیر محترم انتشارات طهوری که زمینه انتشار این اثر را فراهم نموده‌اند کمال سپاسگزاری را دارم.

افشین آریان‌پور

تهران

ششم اسفندماه ۱۴۰۱

کلیاتی از تاریخ ایران در دوران پیش از اسلام

جهان ایرانی دارای ویژگی‌های پیچیده فراوانی است که شناخت آن نیازمند شفاف‌سازی مسائل ابتدایی می‌باشد. تیره مردمان ایران‌زمین هندو-ایرانی است و هندو-ایرانیان از دیدگاه زبان‌شناسی یکی از شاخه‌های خانواده هندو-اروپاییان می‌باشند. یک گروه از این مردمان به آسیای میانه مهاجرت کردند و سرزمینی را که امروزه «ایران» خوانده می‌شود تصرف نمودند. نام ایران برگرفته از عنوان این قوم است. نام این مردمان در اوستا به صورت «آئیری‌یه»^۱ و در فارسی باستان «آری‌یه»^۲ و در زبان ودایی «آری‌یه»^۳ بوده است.^۴ در همین دوره گروهی دیگر به نام هندو-آریاییان، شمال سرزمین هند را به تصرف درآوردند.^۵ تیره‌های ایرانی به زبان‌های گوناگونی سخن می‌گفتند که تنها تعدادی از آن‌ها به درستی شناخته شده است.

مهم‌ترین تقسیم‌بندی در گویش‌شناسی^۶ ایرانیان، تقسیم‌بندی «زبان‌های ایرانی شرقی» و «زبان‌های ایرانی غربی» است و پس از آن تقسیم‌بندی در هر

1. airiia

2. ariya

3. āriya

۴. برای مطالعه بیش‌تر در این باره نگاه کنید به: «آرمان ایران» ۱۹۸۹ اثر گاردو نیولی.

۵. رودیگر اشمیت در سال ۲۰۰۰ میلادی پژوهشی روشن و جامع درباره ارزش نامگذاری قومی مردمان «آریایی» مبتنی بر داده‌های تاریخی و زبان‌شناسی عرضه کرده است که ارجاعات کتاب‌نامه‌ای اضافی نیز دارد.

6. dialectological

زیرگروه، تقسیم‌بندی میان «گوش‌های شمالی» و «گوش‌های جنوبی» است. ما به روشنی می‌دانیم که در منطقه جنوب غرب ایران که آن را اصطلاحاً پارس می‌گفته‌اند زبان فارسی باستان رایج بوده است و خاندان هخامنشیان که بر شاهنشاهی پارس فرمان می‌راندند به این زبان سخن می‌گفتند. زبان تیره‌های مادی نیز شبیه به فارسی باستان بوده است، لیکن شوربختانه هیچ متنی به زبان مادها تاکنون یافت نشده است. ما تنها تعدادی از ویژگی‌های زبان مادی را می‌شناسیم که آن هم به لطف تفاوت‌های گویش‌شناسانه در کتیبه‌های زبان فارسی باستان است. یکی دیگر از زبان‌های مهم ایران باستان، زبان اوستایی بوده است. زبان اوستایی زبان پذیرفته شده برای ادای مناجات در مراسم مذهبی آیین زرتشتی است. این زبان ویژه در اصل متعلق به نواحی شرقی ایران بوده است، ولی در بسیاری از بخش‌های ایران از جمله در منطقه پارس گسترش یافته و در دوره‌ای خاص تبدیل به زبان ویژه مراسم دینی مزداپرستان شده است و تا به امروز هنوز مزداپرستان به همین زبان نیایش می‌کنند. زبان اوستایی به تدریج استفاده روزمره خود را از دست داد تا جایی که حتی موبدان نیز خبرگی راسخ خود را بر این زبان از دست دادند، ولی استفاده از این زبان تا به امروز در مناجات‌های دینی به عنوان نوعی ذکر و ورد سحرانگیز^۱ رواج دارد.

شاهنشاهی کهن پارسیان که با پیروزی بر پادشاهی ماد آغاز شد نقطه تحولی در تاریخ جهان باستان ایجاد کرد، زیرا این شاهنشاهی توانست یک شبکه سیاسی با چندین فرهنگ و چندین طایفه و چندین آیین به وجود آورد که همگی آن‌ها تابع فرمانروایی سیاسی قوم پارس (یکی از تیره‌های ایرانی غربی) بودند.^۲

پارسیان در دوران پادشاهی کوروش بزرگ (۶۰۰-۵۳۰ پ.م) توانستند سایر تیره‌های ایرانی مانند مادها را شکست دهند. مادها یکی از اقوام شمال غربی بودند که پیش از قدرت گرفتن پارسیان، آشوریان را منکوب خود

1. magic mantra

ساخته بودند. فرمانروایی پارسیان در مدت زمان کوتاهی در خاک بسیاری از کشورهای دیگر گسترش یافت. در عهد کمبوجیه دوم (درگذشته در سال ۵۲۲ پ.م) آنان توانستند سرزمین مصر را فتح کنند. پارس ها بخشی از قدرت خود را به قومی که پیش تر حاکم بود یعنی مادها واگذار کردند. بنابراین پارس ها و مادها توانستند یک اتحاد قوی تشکیل دهند. پارسیان در دوران حکومت خود توانستند یکی از بزرگ ترین شاهنشاهی های تاریخ باستان را به وجود آورند که گستردگی آن از اروپای شرقی تا آسیای میانه و از شمال ایران تا شمال افریقا امتداد داشت. پیوند سیاسی هخامنشیان به امری بسیار مهم در تاریخ علم منجر شد، به گونه ای که در این ساختار تبادلات فرهنگی بسیاری پدیدار شد و دانش ستاره شناسی میان رودانی به حد اعلای پیشرفت خود رسید.^۱ وجود سنت های اصیل اوستایی باعث شد که بخشی از عناصر فرهنگ هندو- ایرانی به عنوان میراثی کهن محافظت شوند. این عناصر به تدریج وارد یک بُعد فرهنگی جدید شدند. اگرچه جنگ هایی میان ایرانیان و جهان یونانی صورت گرفت، ولی

۱. در دوران حکومت پارسیان طالع بینی ابتدایی از روی وضعیت و جایگاه ستارگان و سیاره ها در حین تولد انسان به صورت دانشی منفرد گسترش یافت. این گونه از طالع بینی "ابتدایی" خوانده می شود چون در آن هیچ نشانی از چهار نقطه تقاطع منطقه البروج و نیمروز یعنی چهار وتد* وجود ندارد. بنابراین از لحاظ فنی ماهیت این گونه از طالع بینی نجومی بر ما واضح نیست. بنگرید به: پنگری ۱۹۹۷: ۲۲-۲۴؛ زُشبرگ ۱۹۹۸. به طور قطع می توان گفت که در این دوره به دلیل تغییر ذهنیت جامعه نسبت به پیشگویی، متخصصان طالع بینی می توانستند پیشگویی «زایچه*» را به راحتی به مشتریان خود عرضه کنند. این شیوه نوظهور در پیشگویی احتمالاً محبوبیت بیش تری از شیوه های پیشین داشته و هرگز باعث محرومیت طالع بینان از امتیازات سلطنتی نشده است. طالع بینان پیش تر نیز از حمایت شاهان و دربار برخوردار بودند. در حقیقت ارتقاء جایگاه طالع بینی بابلی به سادگی نشان می دهد که دربار پارسیان حمایت خود را قطع نکرده و یا دست کم در کار مکتب های نجومی دخالتی نمی کرده اند. گرایش نوین بیانگر تطور اجتماعی و تحرک عظیم این دانش مبهم و رازآلود است؛ به گونه ای که استفاده از این علم حتی در میان مردمان معمولی که به دنبال تقلید آداب و رسوم شانزا و پرهزینه بودند نیز رواج پیدا کرد.

شاهنشاهی پارس همواره مشوق فرصت‌ها و موقعیت‌های فراوانی برای تبادل دانش و سنت‌های فرهنگی از یک سو به سوی دیگر قلمرو شاهنشاهی بوده است. اسکندر سوم مقدونی در نبرد با هخامنشیان، آنان را شکست داد و قلمرو شاهنشاهی هخامنشیان را تسخیر کرد. شالودهٔ جغرافیای سیاسی نوین، موقعیت بزرگی برای گسترش «یونانی‌مآبی»^۱ و سایر سنت‌های مدیترانه‌ای ایجاد کرد. حوزه‌های فرهنگی میان‌رودان و مصر تأثیر ویژه‌ای بر جهان ایرانی گذاشتند.^۲ یونانیان و مقدونیان نیز با حضور خود در سرزمین‌های شرقی تأثیراتی را بر فرهنگ منطقه گذاشتند؛ برای نمونه در بلخ و هندوستان تأثیر فرهنگی آنان بسیار مشهود و چشمگیر بود.

دوران سیطرهٔ یونانیان در ایران، دورانی همراه با مخالفت و دشمنی بود. فرمانروایی سلوکیان در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم پیش از میلاد یعنی زمانی که مهرداد یکم (حدود ۱۹۵-۱۳۲ پ.م) به پادشاهی پارتیان رسید با سختی‌ها و دشمنی‌های بسیاری روبه‌رو شد. طایفهٔ پارتیان که اصالتاً از خاندان‌های ایرانی نواحی شمال شرق ایران بودند در این دوره در نواحی غربی ایران اقامت گزیدند. حضور پارتیان در غرب، این موقعیت را برای آنان فراهم ساخت تا وارد جنگ با

1. Hellenism

۲. برخی از تأثیرات در تاریخ گاه‌شماری ایرانی واضح است. شیوهٔ تنظیم گاه‌شماری ایرانی از الگوهای میان‌رودانی تبعیت می‌کرد، ولی آن را با الگوی کهن ایرانی تطبیق داده بودند. از این نوع گاه‌شمار در کتیبه‌های هخامنشی نیز استفاده شده است و آن را اصطلاحاً «گاه‌شمار شرقی زرتشتی» می‌خوانده‌اند. (کاتیرا ۲۰۱۷a؛ ۲۰۱۷b). سایر سامانه‌های گاه‌شماری از الگوی مصری ابتدایی «خورشیدی-مهی» که یک گاه‌شمار ۳۶۵ روزه شامل ۱۲ ماه ۳۰ روزه و ۵ روز اضافی یا پنجه دزدیده* بود پیروی می‌کردند. مسائلی همچون ابهامات تاریخی، منشأ، تغییر و پیشرفت این سامانه‌ها در حوزهٔ بحث این کتاب نمی‌باشد. بنگرید به: پانااینو ۲۰۱۳a. «واراهامهیرا*» روحانی بُرهْمَن* اهل هندوستان در سدهٔ ۶ میلادی وجود یک سامانهٔ گاه‌شماری با الهام از شیوهٔ مزداییان در نامگذاری ۳۰ روز ماه را تأیید کرده است و این شیوه قطعاً متعلق به یک انجمن دینی با ریشهٔ ایرانی بوده است. دربارهٔ این گاه‌شماری بنگرید به: پانااینو ۱۹۹۶d.

سلوکیان شوند و به طور تدریجی نواحی سرزمین ایران را از آنان بازستانند. برای اداره سرزمین‌های پس گرفته شده فضای جدیدی برای تشکیل حکومت‌های نیمه خودمختار فراهم شد. به هر روی اگر از بُعد فرهنگی به این رویدادها بنگریم باید گفت که این دوره آغازی برای پیشرفت‌های نوین بود. راه ابریشم به عنوان شبکه ارتباط بین‌المللی بازرگانی و فرهنگی با آغاز تبادلات میان غرب آسیا و دریای مدیترانه و همچنین تبادلات با سرزمین چین از راه آسیای میانه نقش مهم خود را ایفا نمود. در این راستا مناطق بلخ، سغد و خوارزم در ساختارهای سیاسی و فرهنگی پیشرفت کردند و این رخداد تاریخ آسیای میانه ایرانی را بسیار درخشان و شگفت‌انگیز کرد.

پس از سرنگونی اشکانیان در نیمه یکم سده سوم میلادی، بار دیگر یک خاندان ایرانی تبار با نام ساسانیان مانند قهرمانان پیش‌آهنگ تاریخ ایران به قدرت رسیدند.^۱ در حقیقت ساسانیان یک شاهنشاهی مهمی را بنیاد نهادند که هدفش تسخیر دوباره فضای سیاسی دوران هخامنشی بود. در دوران فرمانروایی آنان تمایل راهبردی لشکرکشی مستقیماً به سمت مرزهای غربی و علیه رُم و بیزانسیوم بود؛ در حالی که در سمت شرق، ساسانیان در تلاش برای تسلط بر شاهراه بازرگانی آسیای میانه بودند. منطقه‌ای که نسبتاً در حوزه نفوذ فرمانروایی آنان بود. از دیدگاه فرهنگی، دوران ساسانی نقش بنیادینی در رشد جنبه‌های گوناگون فرهنگی داشت. آیین‌ها و باورهای جدید در این دوره به ایران وارد شدند و هر یک در رقابت برای برتری و سیادت بودند. آیین مسیحیت در زمان اشکانیان به وجود آمد. در دوره ساسانی پروان مسیح اقدام به ساخت «کلیسای اسقفی خودمختار*»^۲ کردند و این دوره دقیقاً با دوران گسترش آیین جدید مانی برخورد نمود. دوران ترقی آیین مانی در زمان زندگی مانی (۲۱۶-۲۷۴ م.) بود، ولی پس از این دوره پروان وی در غرب ایران مورد پیگرد قرار گرفتند و به آسیای میانه

۱. دریایی ۲۰۱۳؛ ویزهوفر ۲۰۰۱.

کوچ کردند.^۱ به دلیل مهاجرت‌های یاد شده، در مناطقی مانند سغد، کتاب‌هایی ایرانی درباره موضوعات گوناگونی مانند مسیحیت، آیین مانی و آیین بودا یافت شده که بخش عمده آن به زبان سغدی نگارش شده است.^۲ البته بیش‌تر مردم سغد زرتشتی بوده‌اند، ولی دین مردمان حوزه ایران غربی به لطف متون اوستایی و پهلوی بهتر شناخته شده است. در منطقه پارس یعنی بخش‌های غربی ایران آیین زرتشتی به مهم‌ترین دین تبدیل شد و روحانیان حکومتی از این آیین پشتیبانی می‌کردند. در این دوره آیین زرتشتی توانست قدرت اجتماعی و اقتصادی کشور را تصاحب کند. با وجود این شرایط چرخه علمی و فرهنگی اندیشه‌ها متوقف نشد و در مراجع رسمی مانند دربار ایران بحث‌های مربوط به الهیات و فلسفه برقرار بود. باید خاطر نشان کرد که «جاستینیانوس*»^۳ (حدود ۴۸۲-۱۴ نوامبر ۵۶۵ م.) امپراتور بیزانس در سال ۵۲۹ میلادی مدارس فلسفه آتن* را تعطیل نمود و پس از این واقعه تعدادی از فیلسوفان آن مدارس به تیسفون آمدند و خسرو یکم (۵۳۱-۵۷۹ م.) پادشاهی که مدت طولانی بر ایران حکمرانی کرد با افتخار از آنان میزبانی نمود.^۴ اگرچه ارزیابی این رویداد مورد مناقشه است، لیکن واقعیت‌ها تأیید می‌کنند که منطقه حکومت ساسانیان مانند یک «دیگ ذوب*» بود که در آن آموزه‌های نوین فرهنگی و علمی امکان گردش، مطالعه، پذیرش و یار د داشتند.

۱. ساندرو من ۲۰۰۹.

۲. گسترش طالع‌بینی در میان جامعه بودایی به‌ویژه در چین و همچنین در آسیای میانه، مستقیماً متأثر از ایران بوده است و بوداییان توجه ویژه‌ای به این دانش در ایران داشته‌اند. نگاه کنید به کتیک ۲۰۱۷؛ ۲۰۱۸. برای مطالعه بیش‌تر درباره نقش میان‌فرهنگی ایالت سغد در علوم ستاره‌شناسی نگاه کنید به گرنه-پینو ۱۹۹۷.

3. Justinian I

۴. این موضوع توسط امیلی کاترل (۲۰۱۵: ۳۷۵، ش. ۱۵۸) اشاره شده است، ولی بهتر است که برای ارجاع به این موضوع در متن عربی البیرونی، به کتاب شیلینگ (۲۰۰۸: ۲۸، ش. ۱۲۶) ارجاع دهم.